

تحلیل حقوقی ابعاد قاچاق کالا و ارز از منظر فقه و تأثیر آن بر سلامت اجتماعی

هادی قربانی^{۱*}. محمد بیات^۲

۱. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)

dr.hadi1363@yahoo.com

۲. کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور چناران

ss0687872@gmail.com

چکیده

قاچاق کالا یکی از شیوه‌های داد و ستد است که شکل‌گیری آن به زمان ایجاد مرزها و قوانین اقتصادی حاکم بر این منطقه باز می‌گردد. این شیوه داد و ستد علی‌رغم زیان‌های اقتصادی برای کشور، برای ساکنان منطقه مرزی به ویژه مرز بازرگان اهمیت زیادی دارد. چرا که در اغلب موارد به عنوان تنها منبع مهم درآمدی آنها محسوب می‌شود. پدیده قاچاق کالا امروزه به عنوان یکی از چالش‌های مهم جامعه مدنی و نظام عدالت کیفری مطرح است. افزایش میزان ارتکاب این نوع بزهکاری، به عنوان یکی از مصادیق جرائم اقتصادی که موجبات تشدید پیامدها و آثار زیانبار آن بر بخش‌های مختلف نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را فراهم آورده است. در این میان، بحران اقتصادی به دلیل ملموس بودن و عوارض کوتاه و میان مدت، بیش از سایر عوامل منجر به سرگشتگی جامعه خواهد شد، که نتیجه آن به خطر افتادن سلامت اجتماعی جامعه است. در این نوشتار کوشیده‌ایم به بررسی تحلیل ابعاد قاچاق کالا و ارز از منظر فقه و تأثیر آن بر سلامت اجتماعی، به ارائه راهکارهایی در راستای پیشگیری از جرائم قاچاق کالا و ارز بپردازیم.

واژه‌های کلیدی: قاچاق کالا، سلامت اجتماعی، قوانین مبارزه.



مقدمه

قاچاق یک تخلف گمرکی است و شامل جابه جایی کالا به روشی مخفیانه، در طول یک مرز گمرکی و به منظور فرار از نظارت گمرکی می‌باشد (۱). کلمه قاچاق برگرفته از واژه ترکی قاچماق به معنای گریزانیدن، فرار و ترک وطن است (۲). در اصطلاح حقوقی نیز قاچاق به معنی حمل و نقل کالا از محلی به محل دیگر، از یک نقطه تا چند نقطه به خارج از کشور یا داخل کشور است (۳). قاچاق می‌تواند شامل کالاهایی باشد که ورود آن به کشور و معامله آن ممنوع بوده، پس برخلاف قانون و به طور پنهانی از مبادی رسمی و غیررسمی کشور، بدون پرداخت عوارض دولتی وارد و معامله می‌شود (۴). اختلال در سیاستهای اقتصادی، افزایش فقر، تسهیل انحصار و رانت‌خواری، مشکلات پولی، لطمه به آمارهای اقتصادی، سوق دادن تجارت رسمی به سمت واردات غیررسمی و پنهان، تضعیف و کاهش تولید داخل، گندشدن توسعه مناطق مرزی، صدمه به اشتغال و... ازجمله نتایج مستقیم و غیرمستقیم این جرم است. این جرم ازجمله جرائم اقتصادی است که مقدمات فساد جامعه و نظام اقتصادی را فراهم می‌سازد و با ایراد خسارت منافع افراد و جامعه را به خطر می‌اندازد (۵). یکی از خساراتی که قاچاق منجر می‌شود تهدید سلامت اجتماعی جامعه است که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. **از دست رفتن درآمد مشروع:** قاچاق کالا و ارز می‌تواند به کاهش درآمد مشروع دولت و کشور منجر شود. برای مثال، اگر کسانی که کالا یا ارز را قاچاق می‌کنند، مالیات نپردازند، دولت توانایی فعالیت‌های عمومی مهم مانند بهبود زیرساخت‌ها، بهداشت عمومی و آموزش را نخواهد داشت.
۲. **تشدید نابرابری:** قاچاق کالا و ارز می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را تشدید کند. افرادی که قادرید به قاچاق پرداخت کنند، معمولاً به یک قشر اجتماعی خاص تعلق دارند و باعث می‌شوند تا آن‌ها بیشتر بدرآمد کنند و افراد دیگر در سلسله مراتب بازار کار عقب بمانند.
۳. **افزایش جرم و جنایت:** قاچاق کالا و ارز می‌تواند به افزایش جرم و جنایت در جامعه منجر شود. سازمان‌های قاچاق با گروه‌های متجاوز، افرادی که با این حملات همراه هستند، همکاری می‌کنند و فعالیت‌های غیرقانونی مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه و موارد دیگر را انجام می‌دهند.
۴. **خرابکاری اقتصادی:** قاچاق کالا و ارز می‌تواند باعث خرابکاری اقتصادی شود. ورود کالاهای قاچاق توانایی رقابت ناقص را به این کالاهای می‌دهد و باعث می‌شود تا تولیدکنندگان داخلی نتوانند با آن‌ها رقابت کنند. همچنین، این کالاهای معمولاً کیفیت پایینی دارند و می‌توانند به مشکلات سلامت عمومی منجر شوند.
۵. **افزایش فساد و فقر:** قاچاق کالا و ارز می‌تواند به افزایش فساد و فقر در جامعه منجر شود. افرادی که در این فعالیت‌ها مشغول هستند، معمولاً افرادی هستند که از شرایط فقر و ناامنی رنج می‌برند و قاچاق کالا و ارز برای آن‌ها تنها راهی است که به سرمایه نقدی برسند.



در کل، قاچاق کالا و ارز دارای تأثیرات منفی بر سلامت اقتصادی و اجتماعی کشور است و باید توسط دولت و سازمان‌های مربوطه مبارزه شود.

در این تعریف، می‌توان به موارد زیر پرداخت.

۱. **مفهوم قاچاق کالا:** در ابتدا می‌توان به بررسی مفهوم قاچاق کالا از دیدگاه فقهی و حقوقی پرداخت. مروری بر تعریف قاچاق کالا در فقه و قوانین کیفری می‌تواند صورت بگیرد.
 ۲. **احکام فقهی و حقوقی مبارزه با قاچاق کالا:** بررسی احکام و ضوابط فقهی و حقوقی در حوزه مبارزه با قاچاق کالا، به ویژه در جهت حفظ امنیت و سلامت عمومی جامعه.
 ۳. **تأثیر قاچاق کالا بر سلامت اجتماعی:** بررسی تأثیرات منفی قاچاق کالا بر سلامت اجتماعی از جمله خدشه دار کردن اقتصاد، افزایش فساد و جرم و جنایت، افزایش بیکاری، خرابکاری بازار و غیره.
 ۴. **راهکارهای مبارزه با قاچاق کالا:** بحث در مورد راهکارها و سیاست‌های قانونی و اجرایی مبارزه با قاچاق کالا و ارز به منظور بهبود وضعیت سلامت اجتماعی.
 ۵. **مقایسه میان فقه و حقوق کیفری:** بررسی تطبیقی احکام فقهی و قوانین کیفری در حوزه مبارزه با قاچاق کالا، نقاط تمایز و تشابه بین این دو زمینه به همراه تأثیرات آن بر سلامت اجتماعی.
- قاچاق کالا و ارز به عنوان یک مشکل جامعه‌ای و اقتصادی در حال گسترش است. این فعالیت غیرقانونی، عواقب جبران‌ناپذیری را بر سلامت اقتصادی جوامع بوجود می‌آورد. یکی از بُعدهای جالب قاچاق کالا و ارز، تحلیل حکم آن از منظر فقه اسلامی است. در این مقاله، معیارها و اصول فقهی مربوط به قاچاق کالا و ارز بررسی شده و تأثیر آن بر سلامت جامعه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

تعریف قاچاق

واژه‌ی قاچاق در اصل ریشه‌ای ترکی دارد و در لغتنامه‌ها و فرهنگ‌های زبان فارسی معانی نسبتاً مشابهی برای آن ذکر شده است. در لغت نامه‌ی دهخدا این واژه به عنوان اسم؛ و صفت شناخته شده است و معادل آن این گونه آمده است: «برده، ربوده و آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است» (۶).

در فرهنگ نامه‌ی فارسی معین نیز بر ریشه‌ی این واژه در زبان ترکی تأکید شده و دو تعریف در ذیل آن آمده است: «کاری برخلاف قانون که پنهانی انجام شود. متاعی که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع است» (۷).

در فرهنگ نامه‌ی عمید، مقابل مدخل قاچاق آمده است: «مأخوذ از ترکی، تردستی، کاری که پنهانی و با تردستی انجام شود، خرید و فروش کالاهایی که در انحصار دولت و یا معامله آن‌ها ممنوع باشد، وارد کردن یا صادر کردن کالاهایی که ورود یا صدور آن‌ها ممنوع است» (۸).



همچنین در برخی کتاب‌های مأخذ سعی شده است در کنار ارایه‌ی تعریف نسبتاً جامع از قاچاق، آن را ایجاد پیشینه عمیق تاریخی نیز ذکر کنند. «قاچاق یعنی متاعی که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع باشد و عملی است بر خلاف قانون که پنهانی انجام می‌شود به طور کلی هر نوع معامله یا مبادله‌ی کالا با پول یا کالای دیگر که محدودیت و یا ممنوعیت به وسیله دولت برای آن ایجاد شده باشد قاچاق محسوب می‌شود و این موضوع بر می‌گردد به تجارت و مبادله‌ی کالا که قدمتی به قدمت تاریخ دارد» (۹).

تبصره (الحاقی ۱۰، ۱۱، ۱۴۰۰) - هرگاه کالایی به موجب صلاحیت اعطائی قانون، بر اساس مصوبات هیأت وزیران یا سایر مراجع قانونی بنا به مقتضیات و شرایط خاص، صدور یا ورود آن ممنوع شود، در حکم کالای مجاز مشروط است و حسب مورد مجازات جرائم و تخلفات مربوطه، حداکثر مجازات مربوط به کالای مجاز مشروط است.

وصف مجرمانه قاچاق در قوانین

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه و الحاقیه آن در سال ۱۴۰۰ لازم الاجرا گردید، قانون عام و مادر مربوط به قاچاق کالا و ارز، قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ مجلس شورای ملی بود که در آن قانون همه‌ی انواع قاچاق وجود داشت. کم‌کم کالاهای خاصی از این قانون خارج شد. تا سال ۱۳۷۴، این قانون، کلیات و اصول کلی حاکم بر جرائم قاچاق را داشت و فقط حسب نوع کالا تخصیص‌هایی خورده بود. در سال ۱۳۷۴ یک قانون مادر وضع شد که بیشترین نسخ قانون سال ۱۳۱۲ را رقم زد و آن قانون تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز بود.^۱ این دو قانون با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه و الحاقیه آن در سال ۱۴۰۰ مجلس شورای اسلامی نسخ شدند و اکنون قانون ذکرشده به همراه قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ قوانین مادر و عام مربوط به قاچاق کالا و ارز می‌باشند. یک سری قوانین و مقررات خاص هم وضع گردیده است که برای یافتن مفهوم قاچاق مراجعه به آن قوانین هم لازم است. ابتدا به مفهوم قاچاق در قوانین عام و سپس به قوانین خاص مربوط به قاچاق کالا و ارز پرداخته می‌شود.

بررسی قاچاق در موازین فقهی

وارد کردن و صادر کردن مشروبات الکلی از مصادیق بزه قاچاق است و ارتکاب قاچاق کالا با موازین شرعی انطباق نداشته و درآمد ناشی از آن مباح نبوده و حرام است. با بررسی قوانین و مقررات مربوط به بزه قاچاق کالا و ارزیابی عملکرد دست‌اندرکاران امر مبارزه با قاچاق مشخص گردید که قوانین مذکور در کاهش جرائم قاچاق کالا موثر واقع نشده است. رسیدگی نسبت به بزه قاچاق در مرحله اداری برخلاف

۱. مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام. این قانون کلاً ۹ ماده بیشتر نداشت؛ اما این مواد در حدودی که مغایر با قانون ۱۳۱۲ بود آن را نسخ کرد.



اصل ۳۶ قانون اساسی بوده و صدور حکم توسط مرجعی که سازمان شاکی محسوب می‌شود، خلاف موازین آئین دادرسی است، چراکه هیچکس نمی‌تواند قاضی دعوای خود باشد. فقه اسلامی نیز قاچاق را غیرمجاز دانسته و به آن محرومیت قرار داده است. قمه‌ها (فقها) معتقدند که قاچاق، استغلالی است که به حقوق و اموال مالکان ضربه می‌زند و موجب ایجاد نابرابری اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

در فقه اسلامی نیز بر اساس احترام به حقوق مالکیت و انصاف، قاچاق کالا و ارز غیرمجاز تلقی می‌شود. به علاوه، استثنائات محدودی در صورت ضرورت‌های اقتصادی و معروض شدن مصلحت عمومی به تفسیر و رأی قمه‌های معظم تقدیم شده است، اما این استثنائات نیز با محدودیت‌های خاصی همراه هستند و کاربرد محدودی دارند.

از آن جهت که ممنوعیت قاچاق کالا و ارز مباح، به لحاظ ماهیت و ذات آن نیست، بلکه از باب عوارض و آثار مترتب آن و یا از باب وابستگی و مقارن‌تبا مسئله‌ای حرام و از طریق منابع فرعی احکام است، لذا حکم ثابت با آن، از نوعی شرعی نیست، بلکه از باب اجتهاد است؛ به طوری که احکام اجتهادی در حقیقت احکام وضعی از طرف مجتهدان قلمداد می‌شوند و مکلفان در قبال مخالفت با مسائل اجتهادی - صرف نظر از مسئله حکم تقلید - مورد مذمت شرعی قرار نمی‌گیرند؛ چه آنکه این گونه مسائل به دلیل اجتهادات مختلف، خواستگاه دیدگاه‌های مختلف فقه‌است و قاعده بر آن است: «لاینکر المختلف فیه و إنما ینکر المجمع علیه» (۱۰) و نیز «الاختلاف یورث شبهة». بر این اساس

اولاً - احکام ناشی از اجتهادات، از قوت احکام ناشی از نصوص برخوردار نیستند و ثانیاً - احکام اجتهادی برای مکلفان الزام‌آور نمی‌باشند.

اما نکته‌ای مهم و اساسی که در این راستا، متبادر به ذهن می‌شود آن است که به دلیل محدودیت نصوص شرعی، زمینه مسائل اجتهادپذیر در مسیر حوادث نامتناهی، بسی گسترده است؛ اگر قابل به عدم الزام آور بودن شرعی این نوع مسائل برای مکلفان باشیم، پس با کدامین ابزار میتوان مسائل اجتهادپذیر شهروندان را انتظام بخشید؟

در قبال این نگرانی اجتهادی، مجموعه‌ای از قواعد اصولی کلی الزام آور از قبیل: مصالح مرسله و استحسان در قالب فقه سیاسی تحت عنوان «سیاست شرعی» (۱۱) و نیز قاعده اصولی - فقهی جزیی الزام آور از قبیل «حکم الامام یرفع الخلاف» (۱۲) پاسخگوی این سوال محوری است.

حکم تکلیفی فقهی قاچاق و ادله آن

یکی از مسائلی که کمتر به آن توجه شده است، بحث فقهی استدلالی در رابطه با قاچاق کالا و استفتا از مراجع عظام تقلید و بررسی ادله حرمت تکلیفی آن است.



در پاسخ‌هایی که مراجع عظام تقلید در رابطه با حرمت قاجاق بیان کرده‌اند، به چند دلیل استناد شده است که در سه دلیل خلاصه می‌شود.

۱. قاجاق خلاف قانون است و خلاف قانون، خلاف حفظ نظم و خلاف نظم، جایز نیست. همانگونه که بیان کردیم، در فتوای برخی از مراجع تقلید، به صراحت آمده است که خلاف قانون، در هیچ موردی از جمله قاجاق جایز نیست؛ زیرا قانون، نظام و محور هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد و اعمال خلاف قانون همانند قاجاق باعث می‌شود این نظام و محور از هم بگسلد و در نتیجه منجر به از بین رفتن نظم عمومی و اجتماعی شود. از همین روست که فقها این علت را مد نظر قرار داده‌اند و در حکومت اسلامی توجه فراوانی به قانون کرده‌اند؛ تا جایی که هر آنچه که در مقام مخالفت با قانون باشد را مجوز شرعی نداده‌اند.

۲. رعایت قوانین، مصداق وفای به عهد است و وفای به عهد لازم است. یکی دیگر از ادله حرمت قاجاق، رعایت قوانین است؛ از این جهت که رعایت قوانین، مصداق وفای به عهد است. مسلمانان پیمان بسته‌اند در کشورهایی که زندگی می‌کنند، مقررات آن کشور را رعایت کنند تا حکومت نیز حافظ حقوق آنها باشد و خلاف قانون از جمله قاجاق، خلاف عهد و پیمانی است که با حکومت بسته‌اند. البته می‌توان در این دلیل اشکال کرد که در این باره هیچ تعهدی که لازم الوفاء باشد، بین مسلمانان و حکومتی که در آن زندگی می‌کنند، وجود ندارد؛ زیرا هیچ یک از شرایط یک تعهد، مانند عقد بیع وجود ندارد تا فردی نسبت به یک فرد دیگر و یا حکومت متعهد باشد. بنابراین، نمی‌توان این دلیل را جزء ادله حرمت قاجاق قرار داد. البته نظر آیه‌الله «سیستانی» خلاف این است؛ چراکه ایشان در پاسخ به سؤالی در رابطه با آنچه که گاهی در وسایل نقلیه؛ مثل اتومبیل، قطار، هواپیما و کشتی می‌نویسند (مثل سیگار کشیدن ممنوع) رعایت آن لازم است یا خیر، فرموده‌اند: «اگر آنچه نوشته شده به منزله شرط: ضمنی در استفاده از آن وسیله باشد یا قانون حکومت باشد که ملتزم به رعایت آن شده، باید رعایت کنند و تخلف جایز نیست» (۱۳).

۳. عمل قاجاق، قاجاقچی را در معرض ضرر مالی و جانی قرار می‌دهد که مورد نهی شارع واقع شده است. در فعل قاجاق، خوف ضرر جانی و مالی وجود دارد. از سوی دیگر، هر کاری که در آن خوف ضرر باشد، شرعاً جایز نیست. دلیل عمده این حکم، قاعده «نفی ضرر» است این قاعده از نظر متن و سند، مورد اتفاق می‌باشد (۱۴) که اصل آن به قضیه «سمره بن جندب» بر می‌گردد که نزاعی با مردی از انصار داشت. آیه‌الله «سیدمیرزا حسن موسوی بجنوردی» در مورد مدرک این قاعده می‌نویسد: «مدرک این قاعده عبارت است از روایات کثیرهای در کتب فریقین که مشتمل بر اینجمله است از رسول خدا و این جمله به عنوان یک کبرای کلی منطبق با موارد عدیده‌ای است» (۱۵). همچنین آیه‌الله «محمدتقی حکیم»: در این باره می‌فرمایند: «این حدیث نزدیک است که به حد تواتر برسد، به خاطر به خاطر کثرت روایات و راویان آن» (۱۶).



بررسی احکام ناظر بر جرم قاچاق از منظر حقوق کیفری

قاچاق کالا از جمله جرایمی است که مقررات خاص تعدد و تکرار در آن قابل توجه می‌باشد که به بررسی هر یک از این موارد می‌پردازیم:

۱- تعدد و تکرار جرم قاچاق کالا و ارز

در پرونده‌های قاچاق کالا تعدد به کرات ملاحظه شده این تعدد گاه از نوع مادی و گاه از نوع معنوی است. در تعدد مادی، مجرم مرتکب چند فعل یا ترک فعل مجرمانه می‌شود بدون اینکه قبل از ارتکاب جرم بعدی محکومیت یافته باشد و حکم در موردی وی اجرا شده باشد (۱۷). بطور مثال؛ کسی که خودرویی را سرقت کرده و با آن اقدام به ارتکاب بزه قاچاق کالا می‌نماید. تعدد معنوی به مفهوم؛ اینکه یک فعل مشمول چند توصیف و یا عنوان مجرمانه شود در جرایم قاچاق نیز متصور است به طور مثال قانونگذار در صورتی که حامل و مالک قاچاق یکی باشد مجازات متهم را منحصر به حکم صادره برای مالک کالای قاچاق دانسته است (۱۸).

سیاست کیفری قانونگذار در بحث تکرار جرم متهافت بوده به نحوی که در مقطعی قانونگذار تکرار جرم قاچاق را در میزان مجازات مؤثر و در مقطعی این موضوع را مسکوت گذاشته است.

الف: تعدد مادی قاچاق کالا

در تعدد مادی، مجرم مرتکب چند فعل یا ترک فعل مجرمانه می‌شود بدون اینکه قبل از ارتکاب جرم بعدی محکومیت یافته باشد و حکم در موردی وی اجرا شده باشد (۱۷). بطور مثال؛ کسی که خودرویی را سرقت کرده و با آن اقدام به ارتکاب بزه قاچاق کالا می‌نماید.

ماده ۶۳ قانون قاچاق کالا و ارز (اصلاحی ۱۰، ۱۱، ۱۴۰۰) - تمامی احکام و قواعد عمومی مربوط به جرائم و تخلفات موضوع این قانون به غیر از موارد پیش‌بینی شده، مطابق قانون مجازات اسلامی است. مقررات مربوط به تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم، معافیت از کیفر، تعلیق اجرای مجازات، مرور زمان، توبه و بایگانی کردن پرونده در مورد جرائم و تخلفات موضوع این قانون اعمال نمی‌گردد. در خصوص پرونده‌های با ارزش بیشتر از ده میلیارد (۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، سازمان یافته، حرفه‌ای، بند «ت» ماده (۲۲) و یا ماده (۳۵) این قانون و تبصره های آن، اعمال احکام مواد (۱۸۰) و (۲۳۷) قانون آیین دادرسی کیفری جایز است.

در قوانین سابق مربوط به قاچاق در خصوص تکرار و تعدد بزه قاچاق، حکمی مقرر نشده بود در آنجا هم باید به عمومیات رجوع می‌گردد. در باب تعدد جرم ماده (۱۳۴) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در بند یک ماده ۱۳۴ به این مورد پرداخته است که اگر جرائم ارتكابی مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین



می‌شود و در این صورت دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرائم مختلف ذکر شده مجازات را تشدید کند.^۱

برای مثال فرض کنیم شخصی مرتکب ۴ فقره سرقت تعزیری درجه ۵ که حبس آن از ۲ سال تا ۵ سال می‌باشد شده است. در اینجا چون تمام جرائم مختلف نمی‌باشد و یکسان است (سرقت) و از یک نوع می‌باشد. لذا برای وی یک مجازات تعیین می‌شود البته دادگاه می‌تواند طبق قواعد همین ماده مجازات را تشدید کند. نکته قابل ذکر این که در فرض بالا دادگاه برای جرم‌های متعدد فقط یک مجازات تعیین می‌کند و تکلیفی ندارد که مجازات را تشدید کند اما این اختیار را دارد که اقدام به تشدید مجازات کند.

ب: تعدد معنوی قاچاق کالا

تعدد معنوی به مفهوم؛ اینکه یک فعل مشمول چند توصیف و یا عنوان مجرمانه شود در جرایم قاچاق نیز متصور است به طور مثال قانونگذار در صورتی که حامل و مالک قاچاق یکی باشد مجازات متهم را منحصر به حکم صادره برای مالک کالای قاچاق دانسته است (۱۸).

پ: تکرار قاچاق کالا

در خصوص یافتن احکام مربوطه به تکرار قاچاق باید به ماده (۱۳۷) قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد بر اساس این ماده: «[اصلاحی ۲۳/۰۲/۱۳۹۹] - هر کس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند.»^۲

۲- معاونت و مشارکت در جرم قاچاق کالا

الف: مشارکت:

در ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هرکس با شخص یا اشخاصی دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب می‌شود و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرایم غیرعمدی نیز چنانچه جرم مستند به تقصیر

۱. تفاوت حکم جدید و سابق قانون مجازات اسلامی در خصوص تکرار جرم: ۱- قانون جدید صرف صدور حکم قطعی را کامل دانسته درحالی که در قانون سابق باید حکم قبلی اجرا می‌شد ۲- قانون جدید محدوده‌ی تشدید را بیان کرده.



دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.»

بر اساس این ماده، شخصی که دانسته و عمداً با شخص یا اشخاصی دیگر در انجام جرم مشارکت کند و جرم صورت گیرد، خواه عمل هر یک از آن‌ها به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد یا نباشد، خواه تأثیر اثر کار آن‌ها مساوی باشد یا متفاوت، شخص مذکور شریک در جرم محسوب می‌شود و مجازات وی همان مجازات شخصی است که آن جرم را انجام داده است. البته طبق ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، دادگاه به میزان تأثیر مداخله شریک جرم توجه می‌کند و در صورت مداخله ضعیف شریک یا معاون در جرم، ممکن است مجازات را تخفیف دهد. چنانچه جرم قاچاق مستند به عمل چند نفر باشد آنها را شرکاء جرم می‌نامند به شرط آنکه همه آنها در عملیات اجرایی مستقیماً نقش داشته باشند. در جرائم قاچاق سازمان یافته ارتکاب این بزه معمولاً به نحو مشارکتی می‌باشد. به طور مثال، افرادی که اقدام به سرمایه‌گذاری در این کار نموده و موجبات خرید کالای قاچاق توسط عوامل دیگر شده و اشخاصی که این اقلام قاچاق را بارگیری نموده و به محل‌های مورد نظر انتقال می‌دهند همگی شرکای جرم محسوب شده که بر اساس ماده ۳ قانون مجازات مرتکبین قاچاق هر یک از شرکاء به کیفر حبس مقرر در ماده ۱ قانون مذکور محکوم و دادگاه سهم هریک را از کل جزای نقدی مقرر تعیین و آنان را متضامناً به پرداخت آن محکوم می‌نماید (۱۹).

ب: معاونت

قانون مجازات مرتکبین قاچاق علاوه بر مرتکب مادی جرم، معاون جرم قاچاق را نیز به عنوان بزه‌کار تلقی و همانند مرتکب و مباشر جرم مستوجب کیفر می‌داند. این نکته قابل تأمل که مجازات معاون دقیقاً میزان تعیین شده این امر برخلاف سایر جرائم است که اختیار مقام رسیدگی کننده در میزان مجازات اعمالی معاون گسترده می‌باشد. اما با این حال به رغم آنکه طبق اصول و موازین کیفری مجازات معاون کمتر از مباشر جرم باشد لیکن قانون مرقوم در میزان مجازات حبس اعمالی برای معاون آن را برابر مباشر دانسته است (۱۹).

ماده ۳۵ قانون قاچاق کالا و ارز - در صورتی که مأموران دستگاههای کشف یا وصول درآمدهای دولت، خود مرتکب قاچاق شوند و یا شرکت یا معاونت در ارتکاب نمایند، علاوه بر مجازات قاچاق مقرر در این قانون به مجازات مختلس نیز محکوم می‌شوند.

پ: عوامل حقوقی

به طور کلی هنگام بررسی حقوقی قاچاق کالا دو نظریه وجود دارد؛ نظر اول، انبوه قوانین را، با این استدلال که هر چه در مسیر عادی عرضه کالا مانع بیشتری باشد، انگیزه قاچاق تقویت می‌شود، عامل گسترش



قاچاق و نظر دوم، شیوع قاچاق را علت وضع قوانین پی در پی می‌داند. به نظر می‌رسد در کشور ما هر دو رویکرد صحیح باشد (۲۰).

بر اساس ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسید، قاچاق عبارت است از: «هر گونه فعل یا ترک فعلی که موجب نقض قوانین مربوط به واردات یا صادرات کالا و ارز می‌شود، قابل پیگرد است و طبق قانون با متخلفان برخورد خواهد شد و برای آنها مجازات در نظر گرفته می‌شود.» قاچاق در مواردی اتفاق می‌افتد که نقل و انتقال کالا برخلاف محدودیتی باشد که از سوی قانون مقرر شده است. به عنوان مثال واردات و صادرات اجناس مجاز بدون پرداخت عوارض گمرکی در دسته قاچاق عوارض گمرکی جای می‌گیرد. باید بدانیم که منظور از کالا، هر جنسی است که از نظر اکثریت مردم از ارزش اقتصادی برخوردار باشد و مردم حاضر باشند در ازای به دست آوردن آن مبلغی پرداخت کنند. در ماده ۱۲۵ هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرائم غیر عمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است. تبصره- اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتابهای دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد.»

بر اساس این ماده، شخصی که دانسته و عمداً با شخص یا اشخاصی دیگر در انجام جرم مشارکت کند و جرم صورت گیرد، خواه عمل هر یک از آنها به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد یا نباشد، خواه تأثیر اثر کار آنها مساوی باشد یا متفاوت، شخص مذکور شریک در جرم محسوب می‌شود و مجازات وی همان مجازات شخصی است که آن جرم را انجام داده است. البته طبق ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، دادگاه به میزان تأثیر مداخله شریک جرم توجه میکند و در صورت مداخله ضعیف شریک یا معاون در جرم، ممکن است مجازات را تخفیف دهد.

به گزارش سازمان قضایی نیروهای مسلح، نکته بسیار مهم در خصوص این ماده این است که شخص باید علم و آگاهی نسبت به کاری که انجام می‌دهد، داشته باشد؛ یعنی بداند و قصد داشته باشد که آن جرم را با خواسته خودش انجام دهد و از روی جهل و زور نباشد. همچنین ماده ۱۲۶ این قانون می‌گوید: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: هر کس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم شود؛ هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارایه دهد و نیز هر کس وقوع جرم را تسهیل کند.»



همچنین بر اساس تبصره این ماده، برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیفتر محکوم می‌شود.

اما براساس این ماده، چنانچه شخصی مستقیم در جرمی که توسط شخصی دیگر انجام می‌گیرد، دخالتی نداشته، ولی به صورت دانسته و از طریق تحریک، تهدید، تطمیع، ترغیب، فریب و ... در ارتکاب رفتار مجرمانه همکاری و دخالت کند، معاون جرم شناخته می‌شود. طبق مواد ۱۲۷ الی ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی، برای معاون جرم نسبت به فاعل اصلی جرم، مجازات کمتری در نظر گرفته شده است.

در اینجا باید گفت: مجازات معاون با شخص مباشر یا همان مرتکب و یا شریک در جرم متفاوت است. در ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی آمده است: «در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

الف) در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه؛

ب) در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا ۶؛

پ) در جرایمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ و

ت) در جرایم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایینتر از مجازات جرم ارتكابی.

تبصره یک: در مورد بند (ت) این ماده مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است مگر در مورد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است.

تبصره ۲- در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجرا نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند (ت) این ماده اعمال می‌شود.» بنابراین بر اساس این ماده مجازات شخص معاون از شخص مباشر یا مجرم اصلی جرم کمتر است. به عنوان مثال اگر شخص مجرم به مجازات حبس دائم محکوم شود، شخص معاون نیز به مجازات تعزیری درجه دو یا سه (حبس از ۱۰ تا ۲۵ سال و جزای نقدی) محکوم خواهد شد.

در صورتی که عین کالا در دست نباشد، متخلف موظف به پرداخت معادل پولی آن است که قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در زمانی که مرتکب نقشی در از دست رفتن کالا نداشته باشد، اجرا نمی‌شود. ضبط وجوه حاصل از قاچاق کالا و ابزار و وسایلی که در ساخت کالا از آن استفاده شده از دیگر مجازاتهای قاچاق است.

۳- تعلیق و آزادی مشروط در جرایم قاچاق

از دیگر نهادهای ارفاقی که قانون گذار آن را در جرائم قاچاق کالا و ارز ممنوع کرده، تعلیق اجرای مجازات است. ماده ۷۱ ق.م.ب.ق.ک. و ۱۳۹۲، جزای نقدی مقرر در این قانون، حبس و شلاق در



جرائم قاچاق کالای ممنوع، سازمان یافته و حرفه‌ای موضوع این قانون را غیر قابل تعلیق است. در این خصوص دو پرسش راجع به استثنای این ماده، در مراجع رسیدگی کننده به این جرائم مطرح و موجب برداشت‌های متفاوت شده است:

اول اینکه ماده ۷۱ قانون اخیر، مجازات‌های مذکور را به نحو اطلاق غیر قابل تعلیق اعلام کرده است؛ از سوی دیگر ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مقام بیان جرائمی که مجازات آن‌ها قابل تعلیق نیست، در بند ج، جرائم اقتصادی با موضوع بیش از یکصد میلیون ریال را برشمرده است.

تبصره (الحاقی سال ۱۳۹۹) - در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. همچنین تعلیق مجازات جرائم علیه عفت عمومی (به جز جرائم موضوع مواد (۶۳۹) و (۶۴۰) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی) در کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود و شروع به جرائم مقرر در این تبصره، بلامانع است. رعایت ماده (۴۶) این قانون در خصوص این تبصره الزامی است.

دوم اینکه قانون‌گذار در فصل دهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ رویکردی افتراقی و ارفاقی را در خصوص مجازات نوجوانان اتخاذ کرده است. بر همین اساس ماده ۹۴، تعلیق اجرای مجازات را در تمامی جرائم تعزیری نوجوانان پذیرفته و هیچ استثنایی را برای آن پیش‌بینی نکرده است. از سوی دیگر ماده ۷۱ ق.م.ب.ک. و ۱۳۹۲۱ تعلیق اجرای مجازات را در این جرائم ممنوع کرده است.

آزادی مشروط از نهادهای ارفاقی است که در خصوص کیفر حبس پیش‌بینی شده است. این کیفر در ق.م.ب.ک. و ۱۳۹۲۱ برای جرائم سازمان یافته و حرفه‌ای پیش‌بینی شده که مشمول عموماً آزادی مشروط قرار می‌گیرد. کیفر اصلی سایر جرائم مذکور در این قانون، جزای نقدی است که با توجه به زیاد بودن مبلغ جزای نقدی و عموماً ناتوانی محکومین از پرداخت آن، و سخت‌گیری در پذیرش ادعای اعسار آنان، در بسیاری موارد، منتهی، به حبس تبدیلی می‌شود. نکته مهم اینکه در رویه قضایی، حبس تبدیلی این مجرمین، به رغم استحقاق بیشتر نسبت به مجرمین حرفه‌ای و مرتکبین جرائم سازمان یافته، مشمول حکم آزادی مشروط نمی‌شود؛ این مسئله، با لحاظ سقف حبس تبدیلی که در ماده ۶۰ ق.م.ب.ک. و ۱۳۹۲۱، پانزده سال دانسته شده، به سختی قابل پذیرش است. در توجیه این امر برخی معتقدند: ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ اشعار می‌دارد: «... به مجازات حبس محکوم شده باشد. ...» و این در حالی که در مانحن فیه محکوم علیه در دادنامه قطعیت یافته به مجازات جزای نقدی محکوم شده است، نه حبس و اعمال «حبس بدل از جزای نقدی» در واقع پس از صدور حکم است و روشی است جهت وصول جزای نقدی؛ موید این نظر صدر اول ماده (۱) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی اصلاحی ۲۶/۶/۸۱ می‌باشد که اشعار می‌داشت: «هر کس به موجب حکم دادگاه در امر جزایی به جزای نقدی محکوم گردد. ...» قائلین به این



نظر معتقدند که آزادی مشروط در مواردی قابل اعمال است که فردی، «محکوم به حبس» شده باشد و حبس بدل از جزای نقدی، «محکوم به حبس» نیست بلکه در حقیقت، محکومیت به جزای نقدی است.

سیاست‌های قانونگذار در قبال جرایم قاچاق

پدیده قاچاق کالا مختص به کشور ما نبوده بلکه بررسی تجارب کشورهای توسعه یافته نیز نشانگر روند فزاینده قاچاق کالا در آنها است و برای مبارزه با این آسیب اقتصادی قوای عمومی هر کشوری تحت سیاست‌های گمرکی و در پاره‌ای موارد با اقدامات مکمل با خصیصه‌های کیفری آن را تعریف و واکنش‌های اجتماعی تقنینی در قالب مجازات و بعضاً به صورت یا به همراه اقدامات تأمینی و تربیتی از خود نشان داده و بدین ترتیب اقدام به مقابله با این گونه جرایم می‌نمایند. مجازات‌های مختلفی برای مرتکبان قاچاق کالا و ارز از طرف قانون گذار تعیین شده است که معمولاً در مرتکب قاچاق کالا و ارز به حوالی سه نوع از این مجازات‌ها محکوم می‌گردد. مجازات‌های پیش‌بینی شده برای قاچاق کالا و ارز عمدتاً از نوع مجازات‌های اصلی هستند. مجازات‌هایی که قانونگذار برای جرم معینی پیش‌بینی نموده و مستقیماً مورد حکم قرار می‌گیرد. همچنین در برخی از موارد مجازات‌ها جنبه تکمیلی دارند؛ چنین مجازاتی توسط مرجع قضایی باید در حکم دادگاه قید شود. یعنی از مجازات‌های تکمیلی به اجباری بوده و برخی از آنها اختیاری است.

۱- جلوه‌های ماهوی سیاست کیفری

جلوه‌های ماهوی این سیاست، به طور کلی‌تر دو بعد جرم‌انگاری و پاسخ‌دهی به پدیده قاچاق کالا قابل تحلیل است. به طور کلی بر حسب شیوه و محل ارتکاب، سه نوع قاچاق قابل تصور است: قاچاق از مبادی قانونی ورود و خروج، قاچاق خارج از مبادی قانونی و در نهایت قاچاق در درون مرز. بر همین اساس، مرتکبان هر یک از گونه‌های اشاره شده نیز متفاوت بوده و در نتیجه علت‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب اعمال مجرمانه آنان نیز متفاوت است. نکته اساسی در هر دو جبهه، نادیده انگاری اصل شخصی سازی پاسخ‌دهی است.

الف: عدم صرفه‌جویی در جرم‌انگاری

از مهمترین برایندهای سیاست‌های سخت‌گیرانه قانون‌گذار در قبال پدیده قاچاق کالا و ارز، جرم‌انگاری گستره رفتارهایی است که در ارتباط با ورود صدور، حمل، نگهداری، عرضه و... کالا و ارز از کشور یا تشریفات قانونی آن ارتکاب می‌یابند.

گرچه در بادی امر به نظر می‌رسد این گستردگی جرم‌انگاری، در جهت سالم‌سازی اقتصاد و بهبود عملکرد چرخه تجاری کشور صورت گرفته است، با نگاهی کارکرد گرا در می‌یابیم که آثار سوء ناشی از آن می‌تواند به مراتب از آثار مثبت مورد انتظار بیشتر باشد. در حقیقت، این مسئله، ضمن ایجاد اختلال در



مسیرهای تجارت آزاد و چرخه اقتصادی کشور، افزایش ریسک فعالیت تجاری و کاهش اعتماد فعالان اقتصادی به دولت، تحمیل هزینه‌های هنگفت به دولت در اجرایی کردن این قوانین و... را به دنبال دارد که ثمربخشی قانون‌گذاری کیفری در این حوزه را با ابهام و دشواری روبه رو می‌نماید.

ب: کیفرگرایی مفرط در قانون مبارزه با قاچاق

قانون‌گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، جهت پاسخ دهی به اعمال مجرمانه و نیز تخلف، به انواع مختلف ضمانت اجرای مجرای موجود در زرادخانه کیفری متوسل شده است تا احساس نکند در برابر مرتکبان خلع سلاح شده است. ضبط و مصادره اموال، جزای نقدی، حبس (تبصره ۱ ماده ۵، ماده ۲۲، مواد ۲۸ و ۲۹)، شلاق (مواد ۳۲، ۳۴ و ۶۶)، انفصال از خدمات دولتی (تبصره ۲ ماده ۶۷، ماده ۷۴)، مجازات‌های (ماده ۶۹) و حتی در مواردی کیفرهای سلب حیات (ماده ۳۱) از آن جمله‌اند. این در حالی است که مطالعات آماری و تحلیل‌های دهه‌های اخیر در ارتباط با اثربخشی کیفر، تا حد بسیاری، کیفرگرایی مفرط در واکنش به جرائم را مورد انتقاد قرار داده‌اند (۲۱). ایراد این کیفرگرایی زمانی دوچندان می‌شود که این رویداد سخت گیرانه نسبت به جرائم دارای قبح ساختگی و قراردادی، مانند قاچاق کالا و ارز به کار رود؛ جرائمی که برخی مرتکبان آن، اساساً، «برخورد سخت گیرانه و مجازات‌های شدید تاکنون نتوانسته مانع ارتکاب قاچاق در اشکال مختلف آن گردد» (۲۲).

ماده ۶۶ (اصلاحی ۱۱، ۱۰، ۱۴۰۰). چنانچه دو یا چند نفر در ارتکاب قاچاق و یا سایر جرائم و تخلفات مرتبط شرکت نمایند، مجازات هر یک از شرکاء، مجازات فاعل مستقل است.

ماده ۶۹- مرجع رسیدگی کننده ذی صلاح حسب مورد می تواند با توجه به شرایط، نحوه، دفعات ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب، علاوه بر مجازات های مقرر در این قانون، وی را به عنوان تکمیل مجازات، به یک یا چند مورد مرتبط از محرومیت های زیر محکوم نماید:

الف (اصلاحی ۱۱، ۱۰، ۱۴۰۰)

۱- تعلیق موقت یا ابطال دائم:

۱- کارت بازرگانی

۲- کارت مبادلات مرزی

۳- کارت ملوانی

۴- پروانه کسب، تأسیس، بهره برداری یا حق العمل کاری

۵- پروانه حمل و نقل

۶- گواهینامه رانندگی وسایل نقلیه زمینی، آبی و هوایی

۷- کارت پیله‌وری.



پ: ممنوعیت اعمال برخی از نهادهای ارفاقی در اجرای کیفر

نهادهای ارفاقی متعددی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اعم از معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، تخفیف مجازات، آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی و... با هدف اصلاح و باز اجتماعی سازی از طریق اعطای فرصت به مرتکب پیش‌بینی شده است. با وجود این، قانون‌گذار در مواجهه با جرائم مربوط به قاچاق کالا و ارز، جهت‌گیری متفاوتی را اتخاذ کرده و محدودیت‌های درخور توجهی را در زمینه بهره‌مندی محکومین از این نهادهای ارفاقی، وضع کرده است.

در همین چهارچوب، در ماده ۷۱ ق.م.ب.ق.ک. و ۱۳۹۲ در مقابله با این جرائم، اعمال مهم‌ترین و رایج‌ترین نهادهای ارفاقی، یعنی تعلیق اجرا و تخفیف مجازات را ممنوع اعلام کرده است. ممنوعیت ناظر به حبس و شلاق در جرائم سازمان یافته و حرفه‌ای، سخت‌گیری موجه و پذیرفتنی است؛ اما این سخت‌گیری در خصوص جزای نقدی چندان توجیه‌پذیر نیست.

۱- ممنوعیت تخفیف جزای نقدی و امکان آن در حبس و شلاق

۲- عدم اعمال آزادی مشروط در حبس بدل از جزای نقدی

۳- عدم تعلیق مجازات در قانون کالا و ارز.

ت: ممنوعیت تخفیف جزای نقدی و امکان آن در حبس و شلاق

یکی از نهادهای مهم قانونی جهت فردی‌سازی کیفر و متناسب کردن آن با جرم، تخفیف قضایی مجازات ضمن صدور رای به موجب ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. قانون‌گذار این نهاد ارفاقی را در ماده ۷۱ ق.م.ب.ق.ک. و ۱۳۹۲ در بعضی موارد ممنوع اعلام کرده است. این مسئله در راستای سیاست‌های سخت‌گیرانه قانون‌گذار در برخورد با این جرائم پیش‌بینی شده است. با این وجود، ایجاد ممنوعیت در تخفیف جزای نقدی بر اساس صدر ماده اخیر، به دلایل ذیل، نتوانسته است مقصود قانون‌گذار را تأمین کند:

اول اینکه در ادامه ماده اخیر، ممنوعیت تخفیف مجازات در خصوص کیفر حبس و شلاق پیش‌بینی نشده است و امکان تخفیف ضمن صدور حکم در این موارد وجود دارد. این دو کیفر، در ق.م.ب.ق.ک. و ۱۳۹۲ برای مهم‌ترین مصادیق قاچاق کالا و ارز، یعنی قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای و کالاهای ممنوع پیش‌بینی شده است. با اینکه طبق قواعد باید در اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه قانون‌گذار، جرائم مهم‌تر در اولویت باشند، در قانون اخیر، در موضوع تخفیف مجازات، نسبت به جرائم کم اهمیت‌تر سخت‌گیری بیشتری شده است.

دوم اینکه ممنوعیت تخفیف در این ماده نسبت به جزای نقدی، عملاً مانع از تخفیف جزای نقدی نشده است؛ زیرا در رویه قضایی و قوانین موجود، سه موضوع باعث شده است تا عملاً میزان جزای نقدی تا حد فراوانی، کاهش پیدا کند و این مسئله، ممنوعیت تخفیف جزای نقدی ضمن صدور حکم را کمرنگ کرده



است. موضوع اول اینکه جزای نقدی در قانون محل بحث به صورت نسبی از یک تا چند برابر پیش‌بینی شده است. موضوع دوم اینکه به موجب ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۴، برخی از اشخاصی که در مرحله بدوی محکوم می‌شوند، با سلب حق تجدید نظر خواهی از خود، از تخفیفی به میزان ۲۵ درصد از میزان جزای نقدی بهره مند می‌شوند. موضوع سوم اینکه به موجب تبصره ۳ ماده ۵۲۹ قانون اخیر، در صورتی که محکوم علیه ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ احضاریه قاضی اجرای حکم، برای پرداخت حاضر شود، می‌تواند از ۲۰ درصد جزای نقدی معاف گردد.

سوم اینکه ماده ۷۲ قانون اخیر، فرصتی را برای متهمین فراهم کرده است تا از حداکثر تخفیف قانونی و حتی معافیت از کیفر برخوردار شوند؛ این ماده برای متهمانی که در مرحله تحقیقات مقدماتی با مرجع رسیدگی کننده همکاری کنند، امکان تخفیف مجازات و معافیت از کیفر را پیش‌بینی کرده است. طبق این ماده، در صورتی که متهم، «سایر متهمان» را معرفی و موجبات دستگیری آنان را فراهم کند یا مقداری کالای قاچاق معرفی کند، می‌تواند از تخفیف یا معافیت برخوردار شود، در اکثر قریب به این جرائم، حداقل دو نفر در فرایند ارتکاب جرم دخالت داشته‌اند که در مصادیق رایج، راننده خودرو حامل و شاگرد وی را می‌توان مثال زد. نکته جالب اینکه معرفی سایر متهمان در این مثال، برای متهم اول، نا تنها دشوار نیست بلکه با رضایت متهم دوم صورت می‌گیرد؛ چرا که هم می‌تواند از تخفیف یا معافیت برخوردار شود و هم میزان باقی مانده جزای نقدی میان آن‌ها تقسیم می‌شود؛ نکته بسیار جالب‌تر اینکه تخفیف‌های ماده ۴۴۲ و تبصره ۳ ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به هردو امکان‌پذیر است؛ یعنی میزان جزای نقدی تقسیم بر دو می‌شود و نسبت به هر کدام تا ۴۵ درصد می‌توان تخفیف اعمال کرد.

– نظریه مشورتی مرتبط

شماره ۱۰۹۷/۹۴/۰۷ – ۰۵/۰۵/۱۳۹۴

شماره ۱۷۲۲/۹۵/۰۷ – ۲۴/۰۷/۱۳۹۵

شماره ۱۷۴۶/۹۵/۰۷ – ۲۶/۰۷/۱۳۹۵

– رأی وحدت رویه مرتبط

شماره ۷۵۶ – مورخ سال ۱۳۹۵

شماره ۷۷۲ – مورخ سال ۱۳۹۷

شماره ۸۲۳ – مورخ سال ۱۴۰۱.

۲- جلوه‌های شکلی سیاست کیفری

قاچاق کالا و ارز در نظام جزایی ایران به عنوان یک جرم شناخته شده که اصولاً رسیدگی به آن «باید تابع قانون باشد» و همانند سایر جرائم، بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری است. باین حال در قوانین مرتبط و بیشتر در رویه قضایی، با توجیهاتی که ناشی از سیاست‌های سخت‌گیرانه قانون‌گذار در قبال این جرائم



است، فرایند دادرسی، به ویژه در سازمان تعزیرات حکومتی، دستخوش عدول از بایسته‌ها و گاهی بدیهیات حقوقی و قانونی شده است. در ادامه به تفصیل، مصادیقی از این عدول تشریح می‌شود.

الف: اعطای صلاحیت تشخیصی به دستگاه‌های کاشف

رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به بعضی از مصادیق قاچاق کالا و ارز در ق.م.ب.ک. و ۱۳۹۲، در صلاحیت دستگاه‌های کاشف جرم، مانند نیروی انتظامی قرار داده شده است. در واقع، قانون موضوع بحث در ماده ۲۱، برای ارگان‌های کاشف جرم به عنوان مرجع بدوی رسیدگی شان ۲۹۷ قضایی قائل شده است. طبق این ماده «در صورتی که ارزش کالای قاچاق یا ارز مکشوفه موضوع ماده (۱۸) این قانون، برابر تشخیص اولیه دستگاه کاشف معادل ده میلیون (۱۰، ۰۰۰، ۰۰۰) ریال یا کمتر باشد با قید در صورتجلسه کشف به امضای متهم می‌رسد و در این صورت استنکاف، مراتب در صورت جلسه کشف قید و حسب مورد، کالا ضبط و به همراه صورتجلسه به سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی تحویل می‌شود و ارز مکشوفه به حساب مشخص شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز و رونویسی از اوراق به متهم ابلاغ می‌گردد.» تبصره این ماده که مدت اعتراض و مرجع تجدید نظر نسبت به آن را مشخص کرده است. مقرر داشته: «صاحب کالا یا ارز می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ در اداره تعزیرات حکومتی شهرستان محل کشف به این تصمیم اعتراض نماید. تا تعیین تکلیف قطعی قاچاق از سوی سازمان تعزیرات حکومتی، باید عین کالا نگهداری شود.» اعطای این اختیار قانونی به مراجع کاشف می‌تواند از دو جهت زمینه‌ساز فساد باشد؛ اول اینکه در عمل، این دستگاه‌ها به این منظور که پرونده مطرح شده به مراجع رسیدگی‌کننده ارسال نشود، می‌توانند محموله‌ای را که ارزش مالی آن بیش از یک میلیون تومان باشد، نیز مقام ارزش‌گذاری، کمتر تعیین کنند؛ دوم اینکه اتخاذ تصمیم در این مسئله که در ماهیت قضایی محسوب می‌شود، از سوی مراجعی که حیثیت قضایی نداشته و نظارت‌های لازم بر آن‌ها اعمال نشده و شیوه مشخصی برای دادرسی آن‌ها در قوانین پیش‌بینی نشده است، به وضوح می‌تواند فسادانگیز باشد.

ب: سخت‌گیری در پذیرش دعوای اعسار

پاسخ‌های قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، عموماً از نوع مالی هستند و غالباً در اجرای این کیفرها مشکل ناتوانی محکومین از پرداخت آن مطرح خواهد شد. در این حالت، به رغم سکوت قانون و مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲، قانون خاص، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، قانون عام، برای این مسئله، پذیرش اعسار محکوم علیه و پرداخت آن به صورت اقساط را تجویز کرده است؛ با این حال تقاضای اعسار از پرداخت محکوم به و تقسیط آن در رویه سازمان تعزیرات حکومتی و محاکم دادگستری پذیرفته نشده یا دست کم، با سخت‌گیری ویژه‌ای روبه روست و در این فرض، توسل به تبدیل کیفر به حبس ترجیح داده شده است. ریشه این مسئله را مشخصاً می‌توان در رویکرد سخت‌گیرانه و توجیه عدول از بعضی قوانین



دادرسی در رویه این سازمان و محاکم دادگستری در رسیدگی به این جرائم با هدف سخت گیری، جست و جو کرد. این مراجع با لحاظ نظریه اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه ۶/۶/۱۳۸۰، به ادعای اعسار از پرداخت جزای نقدی اعتنا نمی کنند یا محدودیت هایی را اعمال می کنند. این در حالی است که طبق مصوبه شورای حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی مورخ ۱۵/۱/۱۳۹۵، امکان تقسیط جزای نقدی محکومیت قاچاق کالا و ارز وجود دارد.

پ: عدم امکان استفاده از کارشناس رسمی دادگستری و انحصاری بودن کارشناسی از سوی دولت

همواره ارجاع موضوعات فنی و تخصصی مطرح در فرایند دادرسی کیفری به کارشناس و متخصص آن، مطمح نظر بوده است. این مسئله به همراه تشریفات قانونی ارجاع موضوع به کارشناس و کارشناسی، مانند احضار طرفین دعوا حین کارشناسی، اطلاع طرفین از روند آن، ابلاغ وصول نظر کارشناسی به طرفین جهت اطلاع از مفاد آن و غیره نقش بسزایی در عادلانه بودن دادرسی داشته است. این مسئله اما در دادرسی جرائم مرتبط با قاچاق کالا و ارز، به ویژه در سازمان تعزیرات حکومتی به گونه ای متفاوت، مورد توجه قانون گذار و رویه قضایی قرار گرفته است. در این رسیدگی ها، تعیین ارزش کالای مکشوفه و بررسی اسناد ابزاری برای احراز قاچاق و تعیین مصرف انسانی داشتن مواد و فراورده های خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی، موضوعاتی مهم اند که رسیدگی به جرائم مشمول قانون پیش گفته نیاز به جلب نظر کارشناس دارند.

در قانون و به ویژه رویه قضایی در خصوص امکان یا عدم امکان ارجاع پرونده به کارشناس رسمی دادگستری اختلاف نظر و ابهاماتی وجود داشته و دارد. موافقین ارجاع موضوع به کارشناسان رسمی دادگستری در موارد قاچاق گمرکی، به ماده ۱۴۴ قانون گمرکی ۱۳۹۰ استناد می کنند که اشعار می دارد: «مرجع بررسی به اختلاف گمرکی در تشخیص تعرفه، ارزش کالا، جریمه ها به غیر از موارد قاچاق گمرکی، قوه قهریه (فورس ماژور) و مقررات گمرکی، کمیسیون رسیدگی به اختلافات راجع به ارزش کالای قاچاق گمرکی از شمول این موارد استثنا گردیده است. موافقین همچنین بیان می کنند که ماده ۱۴۴ قانون مذکور، مرجع رسیدگی به اختلافات گمرکی را «کمیسیون امور گمرکی» نام برده است؛ لکن به موجب قسمت انتهایی تبصره ۵ همین ماده «اختلافات مربوط به قاچاق گمرکی در مراجع صالحه رسیدگی می شود. . . . بین «اختلافات گمرکی» با «اختلاف مربوط به قاچاق گمرکی» تفاوت وجود دارد؛ مرجع صالح در اولی «کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی» و در دومی «مراجع صالحه» رسیدگی به جرائم و تخلفات قاچاق است.

(از سوی دیگر، مخالفین با اعتقاد به انحصار صلاحیت نهادهای دولتی در کارشناسی این موارد به ماده ۴۷ ق.م.ق.ک. و ۱۱ اشاره می کنند که صراحتاً «گمرک و سایر سازمان های امور وصول درآمدهای دولت» را



مرجع استعمال در خصوص ارزش کالا و ارز قاچاق و بررسی اسناد ایزاری برای احراز جرم قاچاق (اعم از گمرکی و غیر گمرکی) می‌داند؛ «در حال حاضر به استناد مواد ۴۷ و ۶۲ قانون جدید، قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰، اعتقاد به نظریه ممنوعیت ارجاع موضوعات و مسائل گمرکی پرونده‌های قاچاق به کارشناسان رسمی دادگستری، قوت گرفته و باب ارجاع امور فنی و گمرکی بسته شده است.» اینان همچنین معتقدند عبارت قسمت اخیر تبصره ۵ ماده ۱۴۴ قانون امور گمرکی ۱۳۹۰ منع یا تجویزی در خصوص استفاده از کارشناس رسمی نداشته و امکان استناد به آن در موضوع بحث، وجود ندارد. ریاست قوه قضائیه نیز به موجب بخشنامه شماره ۲۵۵۰۱/۸۱/۱ مورخ ۳۱/۱۲/۱۳۸۱ مستند به مواد ۵۱ و ۵۲ قانون امور گمرکی سابق، بر منع ارجاع موضوع به کارشناس رسمی دادگستری در ارزیابی کالا جهت تعیین جریمه نظر داده است؛ ریاست سازمان تعزیرات حکومتی نیز به موجب بخشنامه شماره ۲۰۳۰/۱۰۰ مورخ ۲۹/۳/۱۳۸۵ ضمن ابلاغ مرقومه فوق، مفاد آن را در مورد مشابه برای شعب سازمان لازم الاجرا دانسته است. شورای حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی نیز طی نظریه مورخ ۲۶/۱۰/۱۳۹۴ ضمن صالح دانستن گمرک و سایر سازمان‌های مأمور وصول درآمدهای دولت، اظهار داشته است که «نباید این موضوعات به کارشناسان رسمی دادگستری ارجاع شود».

ماده ۴۷ (اصلاحی ۱۱، ۱۰، ۱۴۰۰) - شعبه رسیدگی کننده مکلف است جهت اتخاذ تصمیم درباره احراز قاچاق و یا حمل، نگهداری، عرضه یا فروش کالا یا ارز قاچاق نسبت به استعمال نظر کارشناسی مشورتی حسب مورد از سازمان‌های مأمور وصول درآمدهای دولت نظیر گمرک و بانک مرکزی در مورد تعیین ارزش کالا یا ارز مکشوفه و بررسی اسناد ابرازی جهت انطباق و تعلق به کالای مکشوفه اقدام نماید. وقت رسیدگی به سازمان‌های مذکور و متهم ابلاغ می‌شود. سازمان مأمور وصول درآمدهای دولت موظف است ظرف ده روز از تاریخ دریافت استعمال، پاسخ آن را ارسال و نماینده حقوقی خود را نیز برای حضور در جلسه رسیدگی معرفی نماید. در هر صورت تشکیل جلسه رسیدگی منوط به حضور نماینده مذکور نیست.

ت: محدودیت رسیدگی حداکثر در دو مرحله و عدم امکان اعاده دادرسی

یکی دیگر از جلوه‌های شکلی سیاست سخت‌گیرانه در ق.م.ب. ق.ک. و. ۱۳۹۲، عدم قابلیت اعاده دادرسی نسبت به آراء صادره از شعبات تجدیدنظر ویژه قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی است. مطابق تبصره ۳ ماده ۵۰ ق.م.ب. ق.ک. و. ۱۳۹۲ «آراء صادر» از شعب تعزیرات حکومتی در مورد پرونده‌های قاچاق کالا و ارز قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی نیست. در راستای رفع این مشکل، در مواردی تلاش شده تا از ظرفیت تبصره ۳ ماده ۲۳ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی مصوب ۱/۸/۱۳۷۳ نمایندگان ویژه ریاست جمهوری در ستاد پشتیبانی تنظیم بازار در خصوص پرونده‌های قاچاق نیز استفاده شود، لیکن به دلیل نداشتن توجیه قانونی به نتیجه نرسیده است. (۲۳). نکته حائز اهمیت



اینکه با عنایت به مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده ۵۰ قانون اخیر، این آراء در صورتی که از سوی دادگاه صادر شود، موضوع مواد ۴۷۴ و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری و قابل اعاده دادرسی خواهد بود (۲۴). تبصره ۳ (منسوخه ۱۰، ۱۱، ۱۴۰۰) - آراء صادره از شعب بدوی تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب در صورتی که مبنی بر برائت متهم باشد ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ و پس از درخواست دادستان یا دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت یا ستاد و یا عنداللزوم دستگاه کاشف، قابل تجدیدنظر خواهی است. پرونده حسب مورد از سوی رئیس سازمان تعزیرات حکومتی یا رئیس کل دادگستری استان برای رسیدگی مجدد به یکی از شعب تجدیدنظر مربوطه ارجاع می شود. رأی شعبه تجدیدنظر قطعی و لازم‌الاجراء است.

تبصره ۳ (اصلاحی ۱۰، ۱۱، ۱۴۰۰) - در کلیه آراء بدوی قطعی یا آرائی که به لحاظ عدم تجدید نظرخواهی قطعی شده‌اند هرگاه دلیلی بر عدم انطباق رأی با قانون یا عدم تناسب جرمه نقدی با قانون موجود باشد، رئیس سازمان تعزیرات حکومتی می تواند تقاضای تجدید نظر کند.

واکنش کیفری در قبال قاچاق کالا و ارز

الف: مجازات‌های اصلی

مجازات‌های مختلفی برای مرتکبان قاچاق کالا و ارز از طرف قانونگذار تعیین شده است که معمولاً در مرتکب قاچاق کالا و ارز به حوالی سه نوع از این مجازات‌ها محکوم می‌گردد. مجازات‌های پیش‌بینی شده برای قاچاق کالا و ارز عمدتاً از نوع مجازات‌های اصلی هستند. مجازات‌هایی که قانونگذار برای جرم معینی پیش‌بینی نموده و مستقیماً مورد حکم قرار می‌گیرد. و همچنین در برخی از موارد مجازات‌ها جنبه تکمیلی دارند؛ چنین مجازاتی توسط مرجع قضایی باید در حکم دادگاه قید شود. یعنی از مجازات‌های تکمیلی به اجباری بوده و برخی از آنها اختیاری است. مجازات‌های اصلی مباشرت در ارتکاب جرم قاچاق کالا و ارز از نظر ماهیت در دسته‌های زیر قابل تقسیم هستند.

ب: مجازات‌های محاربه و افساد فی الارض

قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۶۹/۹/۱۹ بعضی از مرتکبین قاچاق ارز را مستحق مجازات حد محاربه و افساد فی الارض می‌داند. ماده ۲ قانون مورد بحث مقرر می‌دارد: هر یک از اعمال مذکور در بنده ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد افساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام... محکوم می‌شود در غیر این صورت به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می‌شود (۲۵).



در لایحه قاچاق کالا و ارز در ماده ۲۵ این قانون اعلام داشته که در صورتی که ارتکاب قاچاق سازمان یافته کالا و ارز به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران و یا با علم به مؤثر بودن آن صورت گیرد و منجر به اختلال گسترده در نظام تولید داخلی، ارز، بازرگانی و تجارت قانونی شود، مرتکب مفسد فی الارض شناخته می‌شود و علاوه بر مصادره اموال به مجازات آن مطابق قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردد و همچنین در ماده ۲۶ اذعان داشته در صورتی که احراز شود مرتکب جرایم قاچاق کالا و ارز با علم و عمد، عواید و سود حاصله از این جرایم را به نحو مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت ملی و تقویت گروههای معاند با نظام اختصاصی داده یا هزینه نموده است، علاوه بر مجازاتهای مقرر در این قانون حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

ماده ۲۵ مکرر (الحاقی ۱۰، ۱۱، ۱۴۰۰). حمل، عرضه، خرید، فروش، نگهداری، اقدام برای خروج و یا خارج کردن چوب، هیزم یا زغال حاصل از درختان جنگلی مطلقاً و ارتکاب این اعمال در مورد سایر محصولات و فرآورده‌ها یا مصنوعات منابع طبیعی اعم از جانوری و گیاهی به قصد تجاری، بدون تحصیل پروانه از مرجع ذی صلاح ممنوع است و مرتکب علاوه بر ضبط کالاهای مزبور و آلات و ادوات مورد استفاده، جز در موارد مذکور در مواد (۲۵) و (۲۶) این قانون و سایر مواردی که مجازات بیشتری به موجب قوانین پیش بینی شده است مشمول مجازات‌ها و احکام مقرر برای قاچاق کالای مجاز مشروط می‌شود. چنانچه خرید اقلام ذکر شده بدون علم و عمد نسبت به منشأ آن صورت گرفته باشد از شمول این ماده خارج است.

پ: مجازات سالب آزادی

مجازات حبس یکی از مجازات‌های اصلی در سیاست کیفری ایران است. به رغم دیدگاه‌های نوین نیز بر کاهش استفاده از حبس در مقررات جزائی و اصلاحات انجام شده در رژیم اعمال این مجازات در ایران استفاده از این ظرفیت به ویژه در مورد مجازات‌های محل امنیت، در اولویت سیاست جنایی ایران قرار دارد. همانطوری که میشل فوکو نیز بیان داشت بشر هنوز مجبور به استفاده از این سلاح و در واقع زندان راه کربهی است که نمی‌توان از آن اجتناب کرد (۲۶). بر این پایه قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ برای کلیه انواع جرایم قاچاق کالا از مجازات حبس برای پاسخگویی به این پدیده استفاده نموده است. ناگفته نماند با اصلاح ماده ۱ قانون مذکور در سال ۱۳۷۳ مجازات حبس صرفاً برای مرتکبین قاچاق کالای ممنوع الورد و ممنوع الصدور و کالاهای انحصاری مقرر شده و در مورد کالاهای مجاز و موضوع عایدات دولت، تحمل کیفر حبس در مخروبه مجازات شلاق اکتفا شده است (۲۷).

۱. فوکو، میشل، امنیت و تنبیه تولد زندان، ترجمه نیکو سرخونی، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۲، ص ۲۸۶.



مفهوم سلامت اجتماعی

سلامت دارای شش بعد مختلف می‌باشد: سلامت جسمی، روانی، عاطفی، معنوی، جنسی و اجتماعی (۲۸). که بعد اجتماعی سلامت، در برگیرنده سطوح مهارت‌های اجتماعی، عملکرد اجتماعی و توانایی شناخت هر شخص از خود به عنوان عضوی از جامعه بزرگتر است و به چگونگی وضعیت ارتباط فرد با دیگران در جامعه یا همان جامعه پذیری وی اشاره دارد (۲۹) از نظر تجربی مفهوم سلامت اجتماعی ریشه در ادبیات جامعه‌شناسی مربوط به ناهنجاری و بیگانگی اجتماعی قرار دارد. به عقیده‌ی دورکیم از جمله مزایای بالقوه زندگی عمومی، یکپارچگی و همبستگی اجتماعی است یعنی یک احساس تعلق و وابستگی، درک آگاهی مشترک و داشتن سرنوشت جمعی. این مزایای زندگی اجتماعی یک اساس و بنیان برای تعریف جهانی و کلی از سلامت اجتماعی است؛ مارکس در تئوری از خودبیگانگی (۳۰)، مرتون در بحث آنومی (۳۱)، هرشی در تئوری پیوند اجتماعی و تأثیرش بر آنومی (۳۲) براساس رویکرد بیماری محور، سلامت اجتماعی را عدم حضور عوامل ضد اجتماعی مانند از خودبیگانگی و بی‌هنجاری در فرد دانسته‌اند (۳۳).

تأثیر قاچاق کالا و ارز بر سلامت اجتماعی:

– تخریب اقتصاد و افزایش نابرابری اجتماعی.
– افزایش فساد و از بین رفتن درآمد عمومی.
– رکود اقتصادی و کاهش ظرفیت تولید داخلی.
– تأثیر روی سلامت اجتماعی و قابلیت دسترسی به کالاهای موردنیاز.
براساس مفاهیم و اصول فقهی، قاچاق کالا و ارز در اسلام به فعالیتی غیرقانونی تلقی می‌شود و موجبات خسارت‌های زیادی را بر سلامت اقتصادی و اجتماعی جوامع فراهم می‌آورد. ضرورت ترویج فرهنگ قانونی و اخلاقی و اتخاذ تدابیر مناسب در مبارزه با قاچاق کالا و ارز، امری ضروری است تا سلامت جامعه حفظ شود.

نتیجه‌گیری

بررسی و مطالعه مختصری که پیرامون قوانین مربوط به قاچاق کالا و ارز به عمل آمد به‌خوبی نشان می‌دهد که امروزه پدیده قاچاق کالا و ارز سالیانه میلیاردها تومان به درآمد دولت و نظام اقتصادی کشور لطمه وارد می‌سازد.
امروزه پدیده قاچاق کالا و ارز سالیانه میلیاردها تومان به درآمد دولت و نظام اقتصادی کشور لطمه وارد می‌سازد.



به علاوه نگاه اجمالی به کارنامه فعالیت‌های ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز از زمان تشکیل سال ۱۳۸۱ تا کنون، بر طبق آمارهایی که در جریان این تحقیق برحسب مورد به بعضی از آن‌ها اشاره شد، این نتیجه را روشن می‌کند که علی‌رغم تلاش‌های پیگیر ستاد در مبارزه با این معضل به عللی از قبیل واردات بی‌رویه قاچاق کالاهای مصرفی و تجاری از طریق اسکله‌های غیرمجاز و به‌دوراز کنترل گمرک مستقر در سواحل جنوب کشور عموماً نشان می‌دهد که این معضل اقتصادی و اجتماعی هنوز به قوت خود باقی است و تأثیر مخرب آن بر امر تولید، تجارت، سرمایه‌گذاری و اشتغال خطر جدی و نگران‌کننده‌ای است که از حد و اندازه یک فعل و انفعالات سوء اقتصادی فراتر رفته است به علاوه آمیختگی آن با مسائل امنیتی نیز حائز اهمیت می‌باشد و در مورد توجه مسؤولین و مقامات عالی‌مملکتی نیز قرار گرفته است.

قانون‌گذار در زمینه قاچاق کالا و ارز، قوانین متعدد و مشابهی را وضع کرده که موجب تشتت آراء و ابهام زایی در تطبیق رفتارهای مجرمانه با عناوین مجرمانه قانونی شده است. بندهای شش گانه ماده ۱ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۹۶/۹/۲۸ مواردی را جرم انگاری کرده که می‌تواند مشمول عناوین مجرمانه مذکور در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ و ماده ۱۱۳ قانون امور گمرکی ۱۳۹۰ قرار گیرد. علاوه بر این، سیاست‌های سخت‌گیرانه در قبال این جرائم، آیین دادرسی و رویه قضایی را به سمت یک جانبه‌گرایی به نفع دولت نفع دولت و ناعادلانه شدن و در بعضی مصداقی، نادیده گرفتن حقوق دفاعی متهم در فرآیند دادرسی سوق داده است. به عنوان نمونه، نهادهای مسئول کشف جرم، مقام تحقیق و تعقیب، مقام رسیدگی‌کننده و صدور رأی و اجرای حکم و حتی کارشناس صالح به اظهار نظر در موارد قانونی، در سازمان تعزیرات حکومتی، دولت و ارگان‌های وابسته به آن می‌باشد؛ این مسئله ضمن اینکه عادلانه بودن دادرسی را مخدوش می‌کند، فرایند دادرسی را به شدت تحت تأثیر سیاست‌های اجرایی دولت قرار داده است. اصلاحات جدید قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که در دست تهیه است، بر اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه تأکید بسیار داشته و درصدد تشدید کیفرهای قانونی برای مرتکبین این رفتارهاست. این مسئله به علاوه وضع بی‌رویه عوارض و مالیات دولتی در قوانین مالیاتی، ضمن اینکه سود حاصل از قاچاق را افزایش می‌دهد، انگیزه وافر برای ارتکاب آن ایجاد خواهد کرد. به علاوه اینکه غالب بودن دولت‌گرایی، رویکرد سخت‌گیرانه و نه قضایی بودن آن از یک سو و همچنین اتکای بخشی از درآمد دولت بر کیفرهای مالی این جرائم، بر سخت‌گیرانه بودن این رویکرد می‌افزاید. با همین منطق قانون‌گذار ایران کیفرهای را مناسب‌ترین کیفر برای جرائم موضوع بحث دانسته و در این زمینه از تمامی انواع این کیفرها استفاده کرده است. اعمال این کیفرها در مقابله با جرائم در حکم قاچاق، به ویژه حمل و نگهداری کالا و ارز قاچاق و در بعضی موارد قاچاق به معنای اخص، می‌تواند موقعیت مالی مرتکب را تا حد زیادی از بین ببرد، تا حدی که دامنه آن، خانواده وی را نیز تحت تأثیر قرار داده و آسیب‌های اجتماعی متعددی ایجاد کند. این آسیب‌ها می‌تواند جامعه و دولت را نیز تحت تأثیر منفی خود قرار دهد؛ این مسئله



در جرائم سازمان یافته و حرفه‌ای صادق نبوده توسل به کیفر در این موارد می‌تواند رویکردی اثربخش توصیف شود.

بدیهی است که پرداختن به این معضل بزرگ، بدون مطالعات و تحقیقات عمیق و ریشه‌ای و همه‌جانبه، ما را به راه‌کارهای سازنده و موثر سوق نخواهد داد. زیرا هر یک از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و قضائی و فرهنگی این مسئله ویژگی‌ها و خصوصیات مستقل و پیوسته دارند و تأثیر متقابل آن‌ها با یکدیگر و تعامل گونه، پیامدهای ناگواری در جامعه به بار می‌آورد.

در این نوشتار تلاش شد که کلیه قوانین و مقررات حاکم بر پدیده قاچاق کالا و ارز که روی هم سیاست کیفری قانون‌گذار ایران را که مبتنی بر اعمال کیفر و مجازات فایده‌گرا از طریق سرکوبی مرتکبین جرائم قاچاق کالا و ارز صورت می‌گیرد به‌دقت موردبررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا بدین‌وسیله خلأ قانونی این مقررات که اغلب آن‌ها مربوط به پنجاه سال قبل است و سیاست جنایی قانون‌گذار در تدوین آن‌ها به‌منظور حمایت از ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی سنتی آن زمان شکل گرفته است و در شرایط کنونی که کشورمان دوران توسعه را پشت سر می‌گذارد برای مبارزه با مسئله قاچاق کالا و ارز با کاستی‌های کاربردی مواجه است و این امر نارسائی این قوانین را به‌خوبی آشکار و روشن ساخته است. به‌ویژه در شرایطی که قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران دوران توسعه قضائی را شروع کرده است و در این زمان به دلیل توسعه فن‌آوری اطلاعات و گسترش ارتباط در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی موجب تحوّل در امر تجارت و مبادلات اقتصادی بین کشور ما با سایر کشورهای دیگر شده است. و بالتبع قاچاق کالا در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز مزید بر مشکلات داخلی شده و باعث افزایش و اوج‌گیری قاچاق کالا که به‌نوبه خود مشکلی بر سر راه توسعه اقتصادی کشور محسوب می‌گردد فراهم نموده و آثار زیانباری به‌نظام اقتصادی و سیاست‌های پولی و بانکی کشور وارد کرده است. در نتیجه از دیدگاه این تحقیق مبارزه فیزیکی دستگاه قضائی در برخورد با مجرمین و قاچاقچیان کالا از طریق اجرای و استفاده از قوانین ناکارآمد و بعضاً خلأ قانونی در این راه به‌نوبه خود عدم کارآئی مقابله قضائی با پدیده قاچاق را به حداقل رسانده است و به‌خوبی نشان می‌دهد که قوانین و مقرراتی که در این نوشتار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت سازوکار مناسبی برای پدیده نگران‌کننده قاچاق کالا و ارز نیست و تأثیر چندانی در کاهش روند افزایش آمار جرائم قاچاق کالا به همراه نداشته است.

در ارزیابی نظام عدالت کیفری ایران در وضع قوانین و مقررات مربوط به قاچاق کالا و ارز ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار در تدوین سیاست کیفری در این زمینه از یافته‌های علمی و دست‌آوردهای جرم‌شناسی به شکل رسمی استفاده نکرده است. در بیان علت این امر شاید بتوان گفت که جوان بودن گرایش نوین به دانش جرم‌شناسی در جهان به‌ویژه در ایران است. به‌علاوه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در دو دهه اخیر نیز در این قوانین و مقررات به‌جز اصلاحات مقطعی که برحسب ضرورت در خصوص قوانین راجع به قاچاق کالا و ارز تجدیدنظر اساسی بر اساس یافته‌های علمی برای سیاست‌گذاری منطقی



و هدفمند راجع به قاچاق کالا و ارز صورت نگرفته است و این نیاز مبرم جامعه ایران در حال توسعه به عهده طفره و تعریق افتاده است.

— اهمیت حمایت از اقتصاد و سلامت اجتماعی در مبارزه با قاچاق.

— استفاده از تجربیات فقه و حقوق کیفری در مبارزه با قاچاق بر اساس اصول اسلامی.

بر اساس مفاهیم و اصول فقهی، قاچاق کالا و ارز در اسلام به فعالیتی غیرقانونی تلقی می‌شود و موجبات خسارت‌های زیادی را بر سلامت اقتصادی و اجتماعی جوامع فراهم می‌آورد. ضرورت ترویج فرهنگ قانونی و اخلاقی و اتخاذ تدابیر مناسب در مبارزه با قاچاق کالا و ارز، امری ضروری است تا سلامت جامعه حفظ شود.

راهکارها و توصیه‌ها:

— تقویت نظارت و اجرای دقیق قوانین.

— آموزش و توعیت جامعه در خصوص ضرورت مبارزه با قاچاق.

— توسعه اقتصاد مقاومتی و تقویت صنایع داخلی.

— همکاری بین‌المللی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز.



فهرست منابع و مآخذ

- ۱- بنایی رضا. اثر قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی بر قاچاق کالا. پژوهشنامه بازرگانی. ۱۳۸۱. ۶ (۲۲): ۱۵۶-۱۲۹.
- ۲- پیشگاهی فرد، زهرا؛ قالیباف، محمد باقر؛ حیدری، شهریار. بسترهای ژئوپلیتیکی قاچاق کالا و ارز با تأکید بر بازارچه‌های مرزی (مطالعه موردی: استان کرمانشاه). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۱۳۹۳، دوره ۴۶ (۳)، ۴۶۵ تا ۴۸۴.
- ۳- ساداتی، سیدمحمد مهدی. قاچاق کالا از طریق ارائه اسناد یا اظهار خلاف واقع در حقوق کیفری ایران. دانشنامه حقوق اقتصادی، ۱۳۹۵، ۲۳ (۹): ۳۰-۵۹.
- ۴- قاسمی، بهروز؛ بهرامی، محسن. آسیب‌شناسی قاچاق کالا در ایران. تهران: فارابی، ۱۳۸۵.
- 5- Lindström, Dag. "Historical perspectives: Swedish and international examples." *New perspectives on economic crime* (2004): 128-157.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ۵۰ جلدی، جلد ۳۸، تهران، چاپ سیروس. ۱۳۳۹.
- ۷- معین، محمد، فرهنگ فارسی، سه جلدی، جلد دوم (د-ق)، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر. ۱۳۷۳.
- ۸- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ اول، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر. ۱۳۵۵.
- ۹- شهیدی، محمد حسن؛ فرشاد گهر، ناصر، روش تحقیق و مآخذشناسی در علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات امور اقتصادی، ۱۳۷۵.
- ۱۰- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاشباه و النظائر فی قواعد وفروع فقه الشافعیة، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- ۱۱- ابن تیمیہ حرانی، ابوالعباس احمد بن محمد بن عبدالحلیم، السیاسة الشرعیة فی اصلاح الراعی و الرعیة، دارالراوی، السعودیة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- ۱۲- زرکشی، بدرالدین محمد بن بهادر، البحر المحیط، وزارت اوقاف، کویت، ۱۹۸۸م.
- ۱۳- سیستانی، سیدعلی. فقه المغتربین. بی‌جا: بی‌تا، ۱۴۱۸ق.
- ۱۴- سیستانی، سیدعلی. قاعده لاضرر و لاضرار. ترجمه اکبر نایب‌زاده. بی‌جا: خرسندی، ۱۳۸۹.
- ۱۵- موسوی بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقہیہ، ج ۱ و ۵، قم: نشر الہادی، ۱۴۱۹ق.
- ۱۶- حکیم، سیدمحمد تقی، القواعد العامہ فی الفقه المقارن، بیروت: المؤسسة الدولية، ۱۴۲۲ق.
- ۱۷- شکری، رضا؛ کوشا، جعفر؛ سیروس، قادر. قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی (دکترین و رویه کیفری ایران) مشتمل بر: قانون مجازات عمومی و سایر قوانین مرتبط، نظریات مشورتی اداره‌ی حقوقی... چاپ نهم. تهران: مهاجر، ۱۳۸۹.



- ۱۸- نوری یوشانلویی، جعفر. مجموعه قوانین و مقررات مربوط به جرائم قاچاق کالا و ارز. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
- ۱۹- بابایی، حسن. جنبه‌های عملی حقوق کیفری مواد مخدر. تهران: کیهان. ۱۳۸۹.
- ۲۰- ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مجله اقتصاد پنهان، معاونت پژوهش و آمار و اطلاعات ستاد مرکزی، تهران، شماره‌های ۲۷ و ۳۰، سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰.
- ۲۱- جعفری، منوچهر، نقش دوگانه سیاست بازرگانی خارجی و واکنشهای اجتماعی و قانونی در برابر پدیده قاچاق کالا، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۲۳۱. ۱۳۸۵.
- ۲۲- سعیدی، سامان «مطالعه تطبیقی تدابیر و پیشگیری از جرم قاچاق کالا در حقوق ایران و آمریکا، مجله بین المللی پژوهش ملل، دوره سوم، ش ۳۲. ۱۳۹۷.
- ۲۳- فتحی، محمدجواد، امیر حاجیلو، فضل الله، جلوه‌های دادرسی افتراقی قاچاق کالا (در پرتو اصول دادرسی منصفانه)، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، ش ۲، ۱۳۹۷.
- ۲۴- رستمی غازانی، امید، آیین دادرسی تعزیرات حکومتی، چ اول، تهران: نشر میزان. ۱۳۹۶.
- ۲۵- آقازاده، علیرضا، مجموعه قوانین و مقررات مربوط به جرائم قاچاق کالا و ارز، انتشارات اندیشه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۲۶- فوکو، میشل، امنیت و تنبیه تولد زندان، ترجمه نیکو سرخونی، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
- ۲۷- فیروز جانی، مختار، قاچاق مال و ارز، نشر قانون، تهران، ۱۳۸۴.
- ۲۸- سجادی حمیرا، صدرالسادات سیدجلال الدین. شاخص‌های سلامت اجتماعی. اطلاعات سیاسی-اقتصادی. ۱۳۸۳. ۱۹ (۳-۴): ۲۴۴-۲۵۳.
- ۲۹- حاتمی. پریسا. بررسی عوامل موثر بر سلامت اجتماعی دانشجویان باتاکید بر شبکه‌های اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. ۱۳۸۹.
- ۳۰- آرون، ریمون. مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی-فرهنگی. ۱۳۸۱.
- ۳۱- رفیع پور، فرامرز. آنومی یا آشفتگی اجتماعی (پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، تهران: انتشارات سروش. ۱۳۷۸.
- ۳۲- علیوردی-نیا، اکبر و شارع‌پور، محمود و ورمزیار، مهدی. «سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری»، پژوهش زنان، ۱۳۸۷، دوره ۶، شماره ۲: ۱۳۲-۱۰۷.
- ۳۳- خوش‌فر، غلامرضا. «بررسی عوامل موثر بر حفظ، ایجاد و گسترش امنیت اجتماعی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۳۸۶، شماره ۱۶۴-۱۶۳: ۱۴۸-۱۵۵.